

حضرت امام محمد باقر علیه السلام در یک نگاه

نام: محمد علیه السلام

مقام: امام پنجم شیعیان

لقب: باقرالعلوم

کنیه: ابوجعفر

نام پدر: علی علیه السلام

نام مادر: فاطمه بنت الحسن علیه السلام

تاریخ تولد: ۳ ماه صفر سال ۵۷ هجری

محل ولادت: مدینه

مدت امامت: ۱۹ سال

مدت عمر: ۵۷ سال

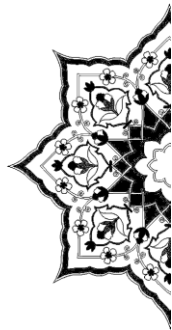
تاریخ شهادت: ۷ ذی الحجّه سال ۱۱۴ هجری

محل شهادت: مدینه

قاتل: ابراهیم بن ولید (به روایتی)

محل دفن: مدینه - قبرستان بقیع

تعداد فرزندان: ۵ پسر / ۳ دختر



سیری در زندگی حضرت امام محمد باقر علیه السلام

حضرت امام محمد باقر علیه السلام، فرزند عزیز و بزرگوار امام سجّاد علیه السلام، پنجمین امام و پیشوای شیعیان است که در روز سوّم ماه صفر سال ۵۷ هجری قمری در شهر مدینه به دنیا آمد. نام مادر گرامی او «فاطمه» بود؛ فاطمه زنی راستگو و پاکیزه بود و در تقوا و ایمان مرتبه والایی داشت. او صورتی زیبا و نورانی داشت و پدرش امام سجّاد علیه السلام از ولادت او خیلی خوشحال بود و خدا را شکر می‌کرد و برای سلامتی او در راه خدا صدقه می‌داد.

نام آن بزرگوار محمد علیه السلام و لقب او ابوجعفر و باقرالعلوم (شکافنده علمها) بود. او در زمان خود از تمامی مردم داناتر بود و سینه‌اش دریای علم و دانش بود و هر سؤالی را که می‌پرسیدند، پاسخ می‌داد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - به جابر - فرمود: «إِنَّكَ سَتُدْرِكُ رَجُلًا مِثِّي، اسْمُهُ اسْمِي وَ شَمَانُلُهُ شَمَانُلِي يَبْقُرُ الْعِلْمَ بَقْرًا»؛ یعنی: تو مردی از



- خاندان - مرا درک خواهی کرد که نامش نام من و رفتار و کردارش، رفتار و کردار من است و دانش را تا ژرفایش می شکافد. وقتی از امام سجاد علیه السلام پرسیده شد: امام بعد از شما کیست؟ - فرمود: «فرزندم محمد، که دانش را ژرف می شکافد». آری! علم امام باقر علیه السلام مانند خورشید درخشان نوری برای هیچ ستاره‌ای باقی نمی گذاشت.

امام باقر علیه السلام در واقعه کربلا ۴ ساله بود؛ ولی مانند بزرگان، امام حسین علیه السلام را در روز عاشورا تنها نگذاشت. چون کودک بود نتوانست در جنگ شرکت کند و به همراه پدرش، امام سجاد علیه السلام و عمه‌اش، حضرت زینب علیها السلام اسیر شدند. او همه وقایع عاشورا و داستان اسارت اهل بیت علیهم السلام را با چشم خود دیده بود و مانند پدر بزرگوارش، یزید را ظالم و دشمن خدا می دانست.

آن حضرت در میان مردم به احسان و بخشش مشهور بود و هیچ وقت فقیر و سائلی را مأیوس نمی کرد و هر کس به امیدی وارد خانه‌اش می شد، دست خالی بر نمی گشت. او هیچ وقت سائل را حقیر نمی شمرد و همیشه با بهترین نام سائل را صدا می کرد.

حکایت شده است که یک روز گمیت که شاعر مشهور اهل بیت علیهم السلام است، در خدمت امام باقر علیه السلام بود، امام یک بیت شعر را زمزمه می کرد؛ گمیت هم یک بیت شعر در تعریف ولایت امام سرود؛ امام علیه السلام پانصد درهم پول به او جایزه دادند.

اگرچه همه خصوصیات اخلاقی امام محمد باقر علیه السلام زیبا و آموزنده است، ما در اینجا به سه ویژگی مهم ایشان اشاره می کنیم:





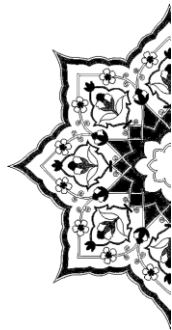
اول: دائم‌الذکر بود: او ضمن حفظ همه ارزش‌های علمی

خویش، انسانی دائم‌الذکر بود.

امام صادق علیه السلام درباره پدر بزرگوار خویش می‌فرماید: پدرم کثیرالذکر بود، به گونه‌ای که وقتی همراه او راه می‌رفتم، او مشغول یاد خدا بود و چون بر سفره غذا مشغول خوردن غذا بودیم باز هم از یاد خدا غافل نبود. با مردم سخن می‌گفت؛ ولی این روابط اجتماعی نیز او را از یاد الهی دور نمی‌داشت، زبانش همواره به گفتن «لا اله الا الله» مترنم بود. آن حضرت همیشه ما را فراخوانده و از ما می‌خواست تا طلوع خورشید مشغول یاد و ذکر خدا باشیم و به آن گروه از اعضای خانواده که قادر به قرائت قرآن بودند، خواندن قرآن را توصیه می‌کرد و آن گروه که قادر به تلاوت قرآن نبودند، دستور می‌داد که ذکر خدا را بر لب جاری کنند.^۱

دوم: حلیم و بردبار بود: مردی از اهل شام در مدینه ساکن

بود و به خانه امام علیه السلام بسیار می‌آمد و به آن گرامی می‌گفت: «در روی زمین بغض و کینه کسی را بیش از تو در دل ندارم و با هیچ کس بیش از تو و خاندانت دشمن نیستم! و عقیده‌ام آن است که اطاعت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیر مؤمنان علیه السلام در دشمنی با توست، اگر می‌بینی به خانه تو رفت و آمد دارم بدان جهت است که تو مردی سخنور و ادیب و خوش‌بیان هستی!» در عین حال امام علیه السلام با او مدارا می‌فرمود و به نرمی سخن می‌گفت. چندی بعد شامی بیمار شد و مرگ را رویاروی خویش دید و از زندگی ناامید شد؛



۱. دانشنامه امام باقر؛ ج ۱، ص ۳.



پس وصیت کرد که چون درگذشت، امام باقر علیه السلام بر او نماز گذارد. شب به نیمه رسید و بستگانش دریافتند که او مرده است. بامداد وصی او به مسجد آمد و امام باقر علیه السلام را دید که نماز صبح به پایان برده و به تعقیبات مشغول است. عرض کرد: آن مرد شامی از دنیا رفته و خود چنین خواسته که شما بر او نماز گزارید. فرمود: او نمرده است...

شتاب نکنید! تا من بیایم. آنگاه به خانه مرد شامی آمد و بر بالین او نشست و او را صدا زد و او پاسخ داد، امام او را نشانید و پشتش را به دیوار تکیه داد و شربتی طلبید و به او داد و به بستگانش فرمود غذاهای سرد به او بدهند و خود بازگشت. مدتی نگذشت که شامی شفا یافت و به نزد امام علیه السلام آمد و عرض کرد: گواهی می‌دهم که تو حجّت خدا بر مردمانی^۱.

سوم: صبر در مصیبت: عده‌ای به محضر امام باقر علیه السلام رسیدند و دیدند که یکی از فرزندان او بیمار شده است و امام علیه السلام ناراحت و اندوهگین است. با خود گفتند: اگر این کودک از دنیا برود می‌ترسیم امام را آن گونه ببینیم که نمی‌خواهیم در آن حال باشد. چیزی نگذشت که صدای شیون اهل خانه بلند شد و فرزند امام از دنیا رفت. آن‌گاه حضرت علیه السلام نزد آن‌ها آمد در حالی که چهره او شاد بود و ناراحتی‌های قبل از سیمای او بر طرف شده بود. آن‌ها به امام علیه السلام عرض کردند: فدایت شویم ما ترس آن داشتیم که با مرگ فرزند حالتی پیدا کنید که ما هم به خاطر اندوه شما غمگین شویم.

۱. امالی شیخ طوسی؛ ص ۲۶۱.





چهل حدیث نورانی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام



حضرت علیه السلام به آن‌ها فرمود: ما می‌خواهیم کسی را که دوست داریم سلامت باشد و ما راحت باشیم؛ اما وقتی امر الهی فرا رسد، تسلیم اراده‌ی خداوند هستیم.^۱

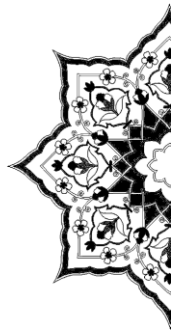
از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که یک عالم بهتر از هزار عابد است و عالم مانند آفتاب و عابد مانند ستاره می‌ماند. یک رکعت نماز عالم بهتر از هزار رکعت نماز عابد است. در زمان امام باقر علیه السلام فرصت مناسبی بود تا آن داناترین روزگار، مدرسه‌های علم و دین را رونق بخشد و شاگردان زیادی را تربیت نماید.

در آن زمان بازگویی فضایل اهل بیت علیهم السلام رونق گرفت و با تلاش آن حضرت، هزاران عالم و دانشمند اسلامی تربیت شدند که هریک از آنان بزرگ‌ترین دانشمندان جهان اسلام می‌باشند. او شاگردان بزرگی چون زرارة بن اعین، معروف بن خربوذ مکی، ابوبصیر اسدی، فضیل بن یسار، محمد بن مسلم طائفی و برید بن معاویه عجلی و... را تربیت نمود.

روزی آن امام بزرگوار علیه السلام فرمودند: آمیخته شدن هیچ چیز به هم بهتر از آمیخته شدن علم به حلم نیست؛ یعنی علم و دانش را با محبت و صبر و بردباری آمیختن، انسان را نجات می‌دهد و سعادت و خوشبختی می‌آورد.

همچنین فرمود: در دنیا و آخرت سه کار به درد انسان می‌خورد:

اول: آنکه عفو کنی کسی را که به تو ستم نموده است.





دوم: آنکه به خانه و خدمت کسی بروی که با تو قهر کرده و قطع رابطه نموده است.

سوم: آنکه حلم کنی با کسی که با جهل و نادانی با تو رفتار می‌کند؛ اگر به این کلام عمل کنی دنیا و آخرت تو آباد خواهد شد. آن امام بزرگوار علیه السلام در زمان خود با علم و دانش فراوانی که داشت، پرده‌های جهل و غفلت را از جلوی چشمان مسلمانان کنار زد و در برابر تهاجم فرهنگی بیگانگان ایستاد و با روشنگری مردم، از عقاید و ایمان آنان دفاع نمود.

پس از شهادت امام سجّاد علیه السلام، امام باقر علیه السلام در سال ۹۵ قمری به امامت رسید و تا سال ۱۱۴ قمری به مدت حدود ۱۹ سال امامت شیعیان را بر عهده داشت.

دوران امامت آن امام بزرگوار علیه السلام هم‌زمان با پنج تن از خلفای بنی‌امیه: ولید بن عبدالملک، سلیمان بن عبدالملک، عمر بن عبدالعزیز، یزید بن عبدالملک و هشام بن عبدالملک بود و در کتاب اعیان الشیعه آمده است که عبدالملک بن مروان به پیشنهاد امام باقر علیه السلام، اقدام به ضرب سکه اسلامی کرد.^۱

امام باقر علیه السلام در مدت امامت ۱۹ ساله خود، کارهای بزرگ و مهمی را انجام داد که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

۱. گردآوری شیعیان و یاران امام سجّاد علیه السلام و ایجاد وحدت و

محبت در بین آنان.



۲. تفسیر و آشکار کردن فقه پربار و پویای شیعه و پاسخ به نیازهای جدید مسلمانان.

۳. ارائه و بیان اندیشه‌های سیاسی شیعه در مسائل حکومتی و اداره کردن جامعه اسلامی.

۴. شرکت در جلسه‌های دانشمندان مذاهب مختلف، برای دفاع کردن از عقاید اسلامی و پاسخ دادن به سؤالات آنان.

۵. مبارزه فرهنگی با اندیشه‌های حکومتی امویان، به طوری که بارها آن بزرگوار را به زندان انداختند و سپس به مصلحت حکومت خودشان آزاد نمودند.

دهمین خلیفه بنی‌امیه که هشام بن عبدالملک نام داشت، پادشاهی ظالم و ستمگر بود. او دشمن اهل بیت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود و همیشه با امام باقر علیه السلام دشمنی می‌کرد.

سرانجام آن امام عزیز و بزرگوار علیه السلام به دستور هشام بن عبدالملک، در هفتم ذی الحجه سال ۱۱۴ قمری در سن ۵۷ سالگی در شهر مدینه مسموم شد و بعد از چند روز به شهادت رسید و در قبرستان بقیع در کنار قبر پدرش، امام سجاد علیه السلام و عموی بزرگوارش، امام حسن علیه السلام به خاک سپرده شد.

